فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، ۶(۳(پیاپی ۲۳))، ۱۲۴-۱۱۱
www.iueam.ir
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، EBZ، GateWay-Bayern، SID، Google Scholar، Noormags، Magiran، Ensani، RICeST، Civilica
شاپا: ۲۳۴۵-۲۸۷۰

فصلنامه علمی- پژوهشی
اقتصاد و مدیریت شهری

نقش فضاهای عمومی در تحقق شکوفایی شهری و توسعه پایدار

سجاد محمدیارزاده* استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب، تهران، ایران
بهنوش شمس‌الهی دکتری مردم‌شناسی، دانشگاه علوم مالزی، پیننگ، مالزی

دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۸ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۵

چکیده: فضاهای عمومی، فضاهایی هستند که روزانه پذیرای قشر و گروه وسیعی از شهروندان از کودک تا پیر، زن و مرد و با هر دین و نژادی هستند؛ بنابراین فضاهای عمومی از پتانسیل کافی جهت تقویت انسجام اجتماعی، توسعه اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی جمعی برخوردار می‌باشند. تحقق مسائل مذکور، لزوم توجه به نوع طراحی و کیفیت بصری فضاهای عمومی را می‌طلبد تا این فضاها قادر باشند تا حد چشم‌گیری از محرک‌های محیطی کاسته و سبب افزایش سرزندگی و نشاط در جامعه شوند. مدیریت صحیح فضاهای عمومی می‌تواند به شکل غیررسمی سبب افزایش دانش جمعی و مهارت‌های فردی و اجتماعی ساکنان شهرها شود که این امر در سایه مشارکت مردم در امور اقتصادی، سیاسی و مدیریتی شهر و نیز افزایش سطح تعاملات اجتماعی آنها محقق می‌گردد. البته نباید نقش عناصر فیزیکی محیطی را مانند: نمادها و نشانه‌ها را در افزایش آگاهی و درک بصری شهروندان نادیده گرفت. بر این اساس باید به فضاهای عمومی به عنوان بستری برای تشویق شهروندان به امر مشارکت و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و نیز آموزشگاهی برای انتقال دانش و آگاهی‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان نگریست. از این‌رو در این پژوهش، تلاش شده است ضمن مطالعه و بررسی ادبیات شکوفایی شهری و توسعه پایدار، به بررسی مسائلی که ضرورت توجه به مدیریت فضاهای عمومی شهری را می‌طلبد، پرداخته شود. این پژوهش از لحاظ روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان دادند که توسعه و توجه به فضاهای عمومی، سبب توسعه اقتصادی شهر، ارتقای سلامت شهروندان، بهبود وضعیت آموزش شهروندان و باززنده‌سازی هویت‌های محلی شهر می‌شود.

واژگان کلیدی: فضاهای عمومی، شکوفایی شهری، توسعه پایدار، اقتصاد شهری
طبقه‌بندی JEL: P25, R11, Q01, R12

* نویسنده مسئول: ayarzadeh@yamil.com

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

۱- مقدمه

تلاش برای تبدیل شهرها به مکان‌های بهتر و مناسب‌تر برای زندگی، همواره از دغدغه‌های اصلی مدیریت شهری بوده است. بیش از هفتاد سال پیش، شاخص تولید ناخالص داخلی GDP[1]، برنده جایزه نوبل متریک شد و مادر تمام آمارها نام گرفت. این شاخص، مفهوم شکوفایی هر کشور را در میزان تولید کالا و خدمات آن، بیان می‌کرد. اما بعدها به نظر رسید که این شاخص، علی‌رغم گستردگی و پذیرش، برای سنجش میزان کلی رفاه و خوشبختی یک جامعه و شکوفایی شهری، کاستی‌هایی دارد. در سال ۲۰۰۶، چین شاخص GDP سبز را تهیه کرد که به‌طور جدی استانداردهای زیست‌محیطی را به چالش می‌کشید. در سال ۲۰۰۹ مشخص شد که شاخص تولید ناخالص داخلی بیان‌کننده بسیاری از ویژگی‌های اساسی رفاه، شکوفایی، خوشبختی و شادی در جوامع نیست (محتشمی و همکاران، ۱۳۹۵). در همین راستا در سال ۲۰۱۲ کمیته اسکان بشر سازمان ملل[2]، رویکرد جامع و یکپارچه‌ای را با عنوان شکوفایی شهری، مطرح کرد که مسیری فراتر از توسعه پایدار شهری را دنبال می‌کند؛ زیرا علاوه‌بر توسعه پایدار، شادی، رفاه، سرزندگی، پویایی و کیفیت زندگی شهری را هم مدنظر دارد. شکوفایی شهری، چرخی است که در مرکزیت آن، نهادهای دولتی، قوانین و مقررات برنامه‌ریزی شهری قرار دارد و اضلاع و دندانه‌های آن را تولید، زیرساخت‌ها، پایداری زیست‌محیطی، کیفیت زندگی، عدالت و برابری شهری تشکیل می‌دهد (Habitat, 2013).

شکوفایی، مفهومی گسترده است که در ارتباط با توسعه متعادل و هماهنگ در محیطی همراه با انصاف و عدالت مطرح می‌شود. بر این اساس، شکوفایی شهری، نوعی ساخت‌وساز اجتماعی است که به فعالیت‌های انسانی کالبد می‌بخشد. این مفهوم بررسی می‌کند که شهرها چگونه می‌توانند تولید داشته باشند و از چه طریق مزایای این تولید می‌تواند به شیوه‌ای عادلانه بین شهروندانش تقسیم شود. این تفکر، متضمن رشد اقتصادی، حاکم بودن روابط اجتماعی، پایداری محیطی و کیفیت زندگی بهتر می‌باشد (Joss, 2015).

در واقع مفهوم شکوفایی شهری، پیوندی ناگسستنی با کیفیت زندگی شهری و توسعه پایدار دارد؛ توسعه‌ای که بر اساس مشارکت‌های مدنی، پاسخ به معضلات عصر حاضر، بهینه سازی منابع و نیز فراهم‌سازی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های لازم برای آینده تحقق می‌یابد. سازمان اسکان بشر سازمان ملل متحد (۲۰۱۳) نه‌تنها شاخص‌های شکوفایی شهری را به‌منظور ارزیابی پیشرفت حال و آینده شهرها در مسیر شکوفایی مطرح می‌سازد بلکه صاحب اختیارات و ذی نفعان داخلی را آماده می‌کند تا بتوانند فرصت‌ها و حوزه‌های بالقوه در شفاعت برای شکوفایی شهری خود را ارزیابی نمایند که این شاخص‌ها عبارتند از:

- رشد اقتصادی به‌واسطه افزایش بهره‌وری، کاهش نرخ بیکاری، افزایش ذخایر مالی و بهینه‌سازی مصرف انرژی
- تقویت زیرساخت‌ها و امکانات شهری (بهبود کیفیت آب، بهبود شبکه راه‌ها، بهبود سطح بهداشت، توسعه شبکه اطلاعات و ارتباطات، باززنده‌سازی هویت‌های محلی و...)
- کیفیت زندگی (آموزش، سلامت، امنیت و ایمنی و توجه به فضاهای عمومی)
- کاهش فقر (کاهش نابرابری‌ها)
- توجه به محیط‌زیست و حفظ منابع طبیعی شهرها در راستای توسعه شهری پایدار (پایداری محیط‌زیستی)
- مدیریت شهری (نظارت و قانون‌گذاری) (Habitat, 2013).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ارتقای کیفیت زندگی شهری، یکی از ارکان مدل شکوفایی شهری است. بدون تردید برای افزایش کیفیت زندگی در شهرها،

1- Gross Domestic Product
2- UN-HABITAT

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

فضاهای عمومی از اهمیت بالایی برخوردارند. کیفیت فضاهای عمومی، معیاری برای سنجش مطلوبیت زیست‌شهری به شمار می‌رود. در واقع فضای عمومی شهری، فضای باز قابل‌حضور برای گروه‌های مختلف اجتماعی است که پویایی و کارآمدی آن، نیازمند تعاملات اجتماعی و برخوردهای متنوع است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۱). بر این اساس، در مقاله حاضر به دنبال بررسی و تحلیل نقش و جایگاه فضاهای عمومی شهری در تحقق شکوفایی شهری هستیم. فرض بنیادین این پژوهش آن است که ارتقای کیفیت و توسعه فضاهای عمومی شهری با در نظر داشتن نیازهای مخاطبان این فضاها می‌تواند تا اندازه قابل‌توجهی از بحران‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که شهرهای امروز با آن مواجه هستند؛ مانند رکود اقتصادی و جرائم شهری بکاهد و سطح اعتماد اجتماعی و سرزندگی و پویایی شهرها را افزایش دهد و سبب رونق و شکوفایی شهرها و حرکت در راستای ایجاد شهرهای بهتر برای آینده گردد.

در این راستا با در نظر گرفتن برخی از شاخص‌های شکوفایی شهری، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤال‌های زیر می‌باشد:

۱- آیا توسعه فضاهای عمومی شهر باعث توسعه اقتصادی می‌شود؟

۲- آیا توسعه فضاهای عمومی شهر باعث ارتقای سلامت شهروندان می‌شود؟

۳- آیا توسعه فضاهای عمومی شهر باعث بهبود وضعیت آموزش می‌شود؟

۴- آیا توسعه فضاهای عمومی باعث باززنده‌سازی هویت‌های محلی شهر می‌شود؟

۲- پیشینه تحقیق

با نظر به اینکه فضاهای عمومی، از جمله فضاهای شهری هستند که از کارکردهای متنوعی برخوردارند و متعاقب آن، تأثیر ویژه‌ای بر کیفیت زندگی شهروندان دارند؛ لذا محققان در حوزه‌های مختلف مانند: اقتصاد، جغرافیا، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، طراحی و برنامه‌ریزی شهری در این حوزه، پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره شده است:

الف) پژوهش‌های خارجی

اتکینسون[1] (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان کنترل و توانمندسازی در مدیریت فضاهای عمومی بیان داشتند که فضاهای عمومی، جزئی حیاتی از شهرهای موفق هستند و آنها مکان‌هایی در شهر می‌باشند که احساس اجتماعی شدن، فرهنگ و سرمایه اجتماعی را برمی‌انگیزند. فضاهای عمومی، شهر را زیست‌پذیر می‌کنند و نقش مهمی در دستیابی به شهر ایمن، فراگیر، انعطاف‌پذیر و پایدار دارند.

برنامه اسکان بشر ملل متحد (۲۰۱۳) در گزارش «خیابان‌ها به عنوان فضای عمومی و پیشران شکوفایی شهری» بیان کرده است که در طول تاریخ شهرها، توسعه و موفقیت یک شهر، بدون سازماندهی مناسب فیزیکی آن، از جمله طراحی دقیق خیابان‌ها و جانمایی فضاهای عمومی، میسر و امکان‌پذیر نبوده است. خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها و فضاهای عمومی، تجلی‌بخش فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شهرها و عاملی برای شکوفایی شهرها هستند.

ناسوشن و زهرا[2] (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «کمک فضای باز عمومی به کیفیت زندگی شهری» بیان داشتند که مردم در فضاهای عمومی به فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازند که این، باعث انسجام، هم‌افزایی، پویایی و توسعه اقتصادی شهر می‌شود.

ب) پژوهش‌های داخلی

رفیعیان و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به مطالعه پارامترهای کیفی در طراحی فضاهای عمومی شهری پرداخته و از چهار مدل عام، برای طبقه‌بندی این کیفیت‌ها و مقایسه نقاط ضعف و قوت آنها و نیز رسیدن

1- Atkinson
2- Nasution and Zahrah

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

به مفاهیمی جامع بهره گرفته‌اند. آنها از مقایسه نظرات و مدل‌های مختلف به ویژگی‌های جامع شامل: سازگاری، نفوذپذیری، گوناگونی، انعطاف‌پذیری، سرزندگی، خوانایی، تناسب بصری، پایداری و کارایی دست یافتند.

رفیعیان و سیفایی (۱۳۸۴) به مطالعه نقش فضاهای عمومی در تسهیل روابط اجتماعی و پالایش ساخت اجتماعی در سکونت‌گاه‌های شهری پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهند که ارتقای کیفیت فضاهای عمومی شهری مانند: نظافت و پاکیزگی، دسترسی، جذابیت، راحتی، جامعیت، سرزندگی و پویایی، عملکرد، تمایز، ایمنی و امنیت، نیرومندی و سلامتی به‌منظور ایجاد سرمایه اجتماعی و تقویت یکپارچگی جامعه امری ضروری تلقی می‌گردد.

امجدی ملایی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «نقش و اهمیت ساماندهی و زیباسازی فضاهای عمومی در توسعه گردشگری شهری» بیان داشتند عوامل متعددی در تحول گردشگری شهری نقش دارند، یکی از این عوامل در ایجاد جاذبه‌های گردشگری شهری، فضاهای عمومی اعم از مبلمان شهری، فضاهای سبز شهری، مراکز اقامتی مدرن، فضاهای تفریحی و سرگرمی، فضاهای خرید بزرگ شهری، موزه‌ها و مراکز فرهنگی، هنری و ... می‌باشند. از طرفی ساماندهی و زیباسازی این فضاها، نقش مهمی در جذب گردشگر و هم تأثیر آرامش‌بخشی بر روحیه آنها دارند و نیز تشویق به حفظ و نگهداری شهر می‌کند. ساماندهی و توسعه مناسب فضاهای شهری، زیباسازی فضاهای عمومی شهر، زنده‌سازی فضاهای متروک و مرده شهر، بستر مناسبی را در راستای توسعه گردشگری شهری و تشویق شهروندان برای استفاده از امکانات ایجاد شده در شهر به دنبال دارد.

ایزدی و حقی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ارتقای احساس امنیت در فضاهای عمومی با بهره‌گیری از طراحی شهری»، به بررسی امنیت در میدان امام شهر همدان، به عنوان یکی از مهم‌ترین فضاهای عمومی این شهر پرداخته‌اند. آنها در پژوهش خود ضمن پرداختن به اهمیت و نقش میدان‌ها در سرزندگی و پویایی شهرها، به اولویت‌هایی در طراحی فضاهای عمومی به طور خاص میدان‌ها اشاره داشته‌اند که این اولویت‌ها عبارتند از:

- ساماندهی حرکت وسایل نقلیه در میدان و کاهش ترددهای عبوری غیرضروری
- ساماندهی و جانمایی توقفگاه‌های وسایل نقلیه عمومی (به‌ویژه تاکسی‌ها) در فاصله‌ای مناسب از میدان
- نظارت بر فعالیت دست‌فروشان و دوره‌گردان و ساماندهی فضایی و زمانی فعالیت آنها
- تقویت کاربری‌های گردشگری- خدماتی در محدوده متناسب با روحیه تاریخی میدان و بافت پیرامونی
- احیای فعالیت‌های شبانه و اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری
- ساماندهی وضعیت روشنایی و نورپردازی.

۳- مبانی نظری

از دیدگاه فارابی شهر، مکانی است که قابلیت پاسخ‌گویی به نیازهای زیستی و اجتماعی انسان‌ها (ایجاد تعامل و همکاری میان آنها) را داراست و امکان دستیابی آنها به سعادت را فراهم می‌سازد (عامری و زند، ۱۳۹۰). مامفورد[1] بر این عقیده است که شهر تنها مجموعه‌ای فیزیکی و کالبدی نیست بلکه بستری برای کنش‌های اجتماعی و نیز وحدت جمعی است. در واقع، مامفورد نیز همچون فارابی بر نقش اجتماعی شهرها که زمینه‌ساز تعاملات و روابط اجتماعی میان ساکنان شهرها می‌باشد، تأکید داشته است (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸).

زندگی شهری، یکی از نشانه‌های بارز نفوذ مدرنیته به زندگی جوامع بشری است و تعلق داشتن به جمع و حضور در فضاهای اجتماعی، یکی از نیازهای زندگی

1- Mumford

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

انسان امروز است. به طور کلی شهر حاوی سه مفهوم مرتبط فضا، زندگی روزمره و بازتولید روابط اجتماعی سرمایه‌داری است. شهر، زمینه فضایی عام است که از طریق آن روابط تولید در تجربه روزمره مردم بازتولید می‌شود. شهر دیگر تنها فضایی برای سکونت نیست؛ بلکه بازتابی از جامعه و روابط اجتماعی است (فکوهی و اوحدی، ۱۳۹۱).

در طراحی فضاهای شهری باید به گونه‌ای عمل شود که شهر بتواند ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را به خوبی نمایش دهد و همچنین زمینه مشارکت اجتماعی را فراهم آورد (تولایی، ۱۳۸۲).

جین جاکوبز[1] به جنبه فرهنگی- اجتماعی شهر بیش از جنبه کالبدی آن توجه نموده و پویایی و سرزندگی شهر را وابسته به مراکز شهری پیچیده، متراکم و پرازدحام می‌داند؛ بنابراین وی خواهان توقف جداسازی کاربری‌ها شده و برای فضاهایی چون خیابان‌ها، به عنوان یکی از بسترهای تعاملات اجتماعی، اهمیت بسیاری قائل می‌گردد. وی بر این عقیده بوده که به واسطه تقویت فضاهای عمومی؛ چون خیابان‌ها می‌توان به شهرها، به ویژه مراکز شهری، معنا و هویت بخشید (پاپلی یزدی و سناجردی، ۱۳۹۲).

تیبالدز[2] نیز همچون جاکوبز بر ادغام کاربری‌ها و فعالیت‌ها (ادغام فضاهای عمومی و خصوصی) به منظور افزایش سرزندگی فضاهای شهری تأکید داشته و معتقد است که چنین عملکردی به واسطه آزادی بیشتری که به ساکنان شهرها برای کار، تفریح، خرید یا حتی داشتن خلوتی در گوشه‌ای از شهر می‌دهد، سبب می‌شود که ساکنان هر چه بیشتر به محیط‌های شهری عشق بورزند و از حضور در آنها لذت ببرند. به عقیده وی، خیابان‌ها و پیاده‌روها، مهم‌ترین عرصه‌های عمومی در شهرها هستند که توجه ویژه به طراحی این فضاها می‌تواند تا حد زیادی جنبه انسان‌گرایانه شهرها را ارتقا دهد. وی طرح‌ریزی شهری خوب را مشتمل بر سه اصل می‌داند که عبارتند از: قابلیت باززنده‌سازی گذشته (هویت تاریخی)، پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های ساکنان و همچنین تدبیر و اندیشه برای داشتن سکونتگاه‌های بهتر در آینده (تیبالدز، ۱۳۹۶).

به عقیده استفن کار[3]، فضاهای عمومی چون خیابان‌ها و پیاده‌روها باید فضاهایی پاسخ‌گو، دموکراتیک و نیز معنادار باشند که بتوانند به نیازهای ساکنان شهرها (اعم از نیازهای جسمانی، روحی و ذهنی) پاسخ دهند و نیز همه اقشار جامعه قادر باشند تا به صورت آزادانه و بدون هر گونه محدودیتی از فضاها استفاده کنند. در واقع فضاهای عمومی معنادار، فضاهایی هستند که قادرند میان مردم، زندگی فردی و اجتماعی آنها ارتباط معناداری برقرار سازند و بر این اساس تصویر ذهنی روشنی را در ذهن مخاطبان خود ایجاد نمایند. این ویژگی با ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه در رابطه‌ای تنگاتنگ قرار دارد (Carr et al., 1992).

در تئوری «برنامه ابتکاری شکوفایی شهری»، شهر شکوفا، از ادغام شش جنبه مهم ایجاد می‌شود که عبارتند از: بهره‌وری، توسعه زیرساخت، کیفیت زندگی، مساوات و شمول اجتماعی، پایداری زیستی، نظارت و قانون که هر کدام زیرشاخص‌هایی را نیز دربر می گیرند. براساس این رویکرد که برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد منتشر کرده، شکوفایی، دلالت بر موفقیت، ثروت، رونق، خوشبختی، اعتماد به نفس در آینده و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه دارد. بنابراین نظریه، کثرت کالاهای عمومی در شهرهای شکوفا، اجازه دسترسی عادلانه به امکانات عمومی و توسعه سیاست‌های پایدار را فراهم می‌سازد (United Nations Human Settlements Programme, 2013).

بحث فضاهای عمومی شهری را نمی‌توان بدون ارتباط با نظریه‌ها و دیدگاه‌های راجع به هویت شهری دنبال نمود. هویت هر شهر در زمینه‌های اجتماعی،

1- Jane Jacobs
2- Tibaldez
3- Stephen Carr

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

فرهنگی، اقتصادی و کالبدی بروز پیدا می‌کند و فضاهای عمومی باید خصوصیات شاخص شدن در ذهن شهروندان که عاملی مؤثر برای تقویت هویت شهری می‌باشد را دارا باشند.

شکوفایی شهری، از مفاهیمی است که از درون نظریه توسعه پایدار شکل گرفته است. تعاریف فراوانی از توسعه پایدار ارائه شده اما شاید ساده‌ترین و جامع‌ترین تعریف، مربوط به کنفرانس برانت‌لند[1] در سال ۱۹۷۸ است که آن را توسعه‌ای می‌داند که نیازهای کنونی را برطرف کند؛ بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در برطرف کردن نیازهایشان به خطر بیفکند. منظور از توسعه پایدار، توسعه‌ای است که به بقای بشر و رفاه کامل و همه‌جانبه آن می‌نگرد و با تمام زنجیره‌ها، فرایندهای پویا، منابع انسانی، منابع طبیعی و نظام سخت‌افزاری جامعه، در تعامل است و درصدد ایجاد تعامل بین حال و آینده، انسان و طبیعت و عدالت و رفاه بین و درون نسل‌هاست. در این راستا توسعه پایدار شهری، شکلی از توسعه امروزی است که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین می‌کند (محمدپور زرندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۱).

۴- روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت داده‌ها، از تحقیقات کیفی و روش آن، توصیفی- تحلیلی است که با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و نتایج گزارش‌ها، کنفرانس ها و اجلاس‌های برگزار شده در زمینه فضاهای عمومی و شکوفایی شهری، صورت گرفته است.

۵- یافته‌های تحقیق

فضاهای عمومی، فضاهایی برای تمامی اعضای جامعه هستند و همه می‌توانند آزادانه در آنها رفت‌وآمد کنند، کما اینکه این امر، به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه صورت پذیرد. همچنین فضاهای عمومی، فضاهایی هستند که نقش معناداری در افزایش سرمایه اجتماعی به‌واسطه ارتقای سطح تعامل و مشارکت‌های مدنی و نیز انسجام اجتماعی و البته بهبود شرایط و رونق اقتصادی دارند؛ بنابراین به این فضاها، به عنوان یکی از عوامل مهم در بهبود سلامت روحی و روانی ساکنان شهرها و نیز افزایش سرزندگی، تحرک و پویایی در شهرها توجه می‌گردد. به‌علاوه نباید نقش فضاهای عمومی را در رونق اقتصادی شهرها نادیده گرفت. فضاهای عمومی می‌توانند فضاهای مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و فعالیت‌های تجاری و بازرگانی و زمینه‌ساز توسعه اقتصادی شهر باشند (Carmona et al., 2008). امروزه، فضاهای عمومی، تحت‌تأثیر گرایش‌ها و تمایلات تاریخی، قوانینی که توسط حکومت‌ها وضع می‌گردد و ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی حاکم بر جامعه، اولویت‌های سیاسی و به طور خاص سبک زندگی که حکومت‌ها از آنها حمایت می‌کنند و نیز اقتصاد و بازار تجارت است که آن را می‌توان در تبلیغات گسترده‌ای که در فضاهای عمومی صورت می‌گیرد به خوبی مشاهده نمود؛ بنابراین می‌توان استنباط کرد که فضاهای عمومی، عرصه‌های انعطاف‌پذیری هستند که ضمن ارائه خدمات به ساکنان شهرها، افکار عمومی شهروندان را شکل می‌دهند و سبک زندگی آنها را نیز به سمت‌وسوی مشخصی هدایت می‌کنند و در واقع، به آنها آموزش می‌دهند. حال با در نظر داشتن اهمیت فضاهای عمومی و تأکید سازمان اسکان بشر بر آن، به‌منظور تحقق شکوفایی شهری و نیز توسعه پایدار، به بررسی سؤالات پژوهش پرداخته می‌شود:

سؤال اول پژوهش: آیا توسعه فضاهای عمومی شهر باعث توسعه اقتصادی می‌شود؟

فضاهای عمومی، فضاهایی هستند که در ارتقای سطح سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی نقش قابل‌توجهی دارند. بهبود شرایط فضاهای عمومی و امکان شرایط دسترسی بهتر برای همه ساکنان شهر با رویکرد عدالت‌محوری باعث می‌گردد تا پویایی در فضاهای

1 -Brandt Land

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

شهری افزایش یابد و تعاملات اجتماعی مردم، بیشتر شود و از این طریق، زمینه‌های سرمایه‌گذاری و رشد مطلوب اقتصادی در شهر فراهم گردد. فقدان امنیت در فضاهای عمومی، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که شهرهای امروز، با آن مواجه هستند که یکی از دلایل آن، سطح پایین اعتماد و سرمایه اجتماعی است که باعث تنزل سرمایه اقتصادی و البته رکود گردشگری شهری، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در پویایی و شکوفایی شهرها، گردیده است. در سال‌های اخیر، بحث گردشگری شهری با دو هدف اقتصادی و فرهنگی مورد توجه برنامه‌ریزان اقتصادی بوده است (حاتمی‌نژاد و شرفی، ۱۳۹۴) که شرط موفقیت در آن، وجود زیرساخت‌ها و مدیریت کارآمد، به عنوان دو شاخص مهم در برنامه شکوفایی شهری است. بر این اساس می‌توان گفت توجه به بهبود کیفیت فضاهای عمومی به لحاظ کالبدی (پاکیزگی، ایمنی، امکانات زیرساختی و...) و غیرکالبدی (عدالت محوری، امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حس تعلق و ...) می تواند سرزندگی، شکوفایی و پویایی شهری و توسعه اقتصادی شهر و شهروندان را به سبب حضور گسترده گردشگران به همراه داشته باشد که اثبات این موضوع در پژوهش‌های اسدی (۲۰۱۱)، ابراهیم‌نیا سماکوش و همکارانش (۱۳۹۲)، مطیعی‌لنگرودی و رضائیه‌آزادی (۱۳۹۲)، نوری و خراسانی (۱۳۹۱) و ... آورده شده است.

سؤال دوم پژوهش: آیا توسعه فضاهای عمومی شهر باعث ارتقای سلامت شهروندان می‌شود؟

اگرچه عوامل مختلفی؛ چون خانواده، سطح تحصیلات، شغل و میزان درآمد (وضعیت مالی) در کیفیت زندگی و نیز سلامت روحی و جسمانی ساکنان شهرها مؤثر می‌باشند، اما نقش و تأثیر فضاهای عمومی به عنوان فضاهایی که هر روز شهروندان آگاهانه یا ناآگاهانه به آنها قدم می‌گذارند و بخش قابل‌توجهی از زمان خود را در آنها سپری می‌کنند، در سلامت آنها نمی‌توان نادیده گرفت. نحوه طراحی و شیوه مدیریت فضاهای عمومی شهر، می‌تواند بر میزان رضایت‌مندی و همچنین سلامت روحی و روانی شهروندان تأثیرگذار باشد. برای مثال در خیابان‌های شهری، ساختار اصلی جریان زندگی اجتماعی، باید تا حد امکان محرک‌های محیطی؛ چون آلودگی‌های صوتی، بصری، هوا و نیز عواملی نظیر سرعت بالای خودروها و نیز انواع خشونت‌ها و جرائم شهری (مانند سرقت یا تعدی) به واسطه تدابیر صحیح محیطی و فضایی، کاهش داده شوند. این امر باعث می‌گردد تا شهروندان با آسودگی و آرامش خاطر بیش‌تری در فضاهای عمومی حاضر گردند و از استرس و نگرانی آنها، ناشی از مواجهه با انواع محرک‌های محیطی، کاسته شود. این مورد بیش از همه در مورد زنان، کودکان، سالمندان و نیز معلولین باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا آسیب‌پذیری این افراد در مقابل محرک‌ها و تهدیدات محیطی بیش از سایر شهروندان می‌باشد (پاکزاد و فرید طهرانی، ۱۳۹۰). در این راستا، زنان به لحاظ جسمانی، توان کم‌تری در دفاع از خود در مقابل خشونت‌های شهری دارند و این امر باعث گردیده که فرایند جامعه‌پذیری آنها از ابتدا با ترس از دنیای بیرون همراه گردد که این امر برای مادران که با فرزندان خردسال خود وارد فضاهای شهری می‌شوند دو چندان است؛ زیرا مسئولیت مراقبت از فرزندان نیز بر استرس و نگرانی آنها می‌افزاید و آنها را در مقابل محرک‌های بیرونی، آسیب‌پذیرتر می‌سازد؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین عوامل که باید در ارتباط با طراحی فضاهای عمومی مورد توجه قرار گیرند، تأمین حداکثر امنیت و ایمنی شهروندان، خصوصاً زنان است که می تواند با توجه به عواملی که از آنها به عنوان ویژگی‌های خوانایی و نمایانی یاد می‌شود، تا حد قابل‌توجهی افزایش یابد. به عقیده لینچ[1] محیط‌های خوانا و با کیفیت بصری بالا می‌توانند سبب کاهش ترس و استرس شهروندان مخصوصاً زنان از حضور در فضاهای شهری گردند و در نتیجه به سبب احساس امنیت، میزان تردد آنها در شهر افزایش یافته و

1- Lynch

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

این امر به پویایی و سرزندگی شهر، کمک قابل‌ملاحظه‌ای می‌کند. یکی از طرح‌های جهانی که در ارتباط با فضاهای شهری و سلامت شهروندان مطرح است، طرح شهر سالم می‌باشد که لئونارد دهل[1] برای اولین‌بار در سال ۱۹۸۴ مطرح کرد. پروفسور دهل، شهر سالم را شهری تعریف می‌کند که به طور مداوم در ایجاد یا بهبود شرایط اجتماعی- کالبدی و توسعه منابع فعالیت کند تا به این وسیله امکان عملکرد درست و کامل، به منظور حداکثر بهره‌برداری از توان انسان‌ها را فراهم آورد (بحرینی، ۱۳۷۴). در واقع ایده شهر سالم، ترکیبی از ایده‌های اکولوژیکی و بهداشتی در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهری است. ایده‌ای که در ساکنان شهرها، انگیزه همکاری و پذیرش مسئولیت به منظور بالا بردن کیفیت سکونتگاهشان ایجاد می‌کند (طبیبیان، ۱۳۷۶). تحقق این ایده ضمن رفع مشکلات اکولوژیکی شهرها، می‌تواند در تأمین امنیت اجتماعی جامعه و نیز سلامت روانی و جسمانی ساکنان شهرها به‌واسطه ایجاد تعامل، تعاون و مشارکت شهروندان در امور شهری و در نتیجه افزایش حس اعتماد میان شهروندان، انسجام و اتحاد آنها مؤثر واقع گردد؛ بنابراین ایده شهر سالم می‌تواند به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهری و نیز بهزیستی و شکوفایی شهرها مورد توجه قرار گیرد و سلامت شهروندان را نیز تضمین کند. در مجموع می‌توان اذعان داشت که توسعه فضاهای عمومی شهرها باعث ارتقای سلامت شهروندان آنها می‌گردد که در پژوهش‌های متعددی نظیر: باقری و عظمتی (۱۳۸۸)، انصاری (۱۳۹۳)، مرصوصی و عظیمی (۱۳۹۶) و ...، این امر، تأیید شده است.

سؤال سوم پژوهش: آیا توسعه فضاهای عمومی شهر باعث بهبود وضعیت آموزش می‌شود؟

اندیشمندان متعددی بیان داشته‌اند که آموزش فرایند است؛ زیرا سبب انتقال دانش و فرهنگ از نسلی به نسلی دیگر می‌گردد و همچنین آن را یک محصول در نظر می‌گیرند؛ زیرا دلالت بر یک تغییر و تحول، حال به صورت آشکار یا نهان، ضمنی یا صریح دارد. همچنین آموزش نظم است؛ زیرا الگوهای رفتاری مثبتی را در افراد ایجاد می‌کند. آموزش، ابزاری ضروری برای توسعه فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی است (Ejikeme, 2014). شایان ذکر است اگرچه برای توسعه، به فاکتورهای متعددی چون بهبود زیرساخت‌ها چون سدها، راه‌ها، امکانات مخابراتی و ارتباطاتی، بنادر و امثال آنها نیاز است اما آموزش به عنوان شاه‌کلید توسعه اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شود (Maclean, 2008). با در نظر داشتن این تعاریف می‌توان گفت آموزش، امری غیرقابل‌اجتناب در مسیر توسعه پایدار و تحقق شکوفایی شهری است؛ همان‌گونه که سازمان اسکان بشر نیز از آموزش به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در ارتقای کیفیت زندگی شهری صحبت می‌کند. بنا بر طرحی که این سازمان تهیه کرده است، شهرهای شکوفا باید خدمات ضروری اجتماعی را به شهروندان ارائه نمایند که از جمله این خدمات، کمک به بالا بردن سطح دانش و تحصیلات آنان و همچنین سلامتی و امنیتشان می‌باشد؛ زیرا در این صورت شهروندان قادر خواهند بود تا از تمامی پتانسیل خود برای توسعه ظرفیت فکری‌شان و نیز در راستای برخورداری از زندگی سالم و پربار استفاده نمایند.

امروزه آموزش به شکل رسمی در اکثر کشورها به اجرا در آمده و برای آن، برنامه‌ریزی‌های مدونی صورت گرفته است، اما توجه به آموزش‌های غیررسمی باید بیشتر مدنظر قرار گیرد؛ زیرا این باور وجود دارد که آموزش‌های غیررسمی نسبت به آموزش‌های رسمی، از قدرت تأثیرگذاری بیشتری در ارتقای کیفیت زندگی اشخاص برخوردارند و می‌توانند در متن زندگی روزانه و کاملاً ملموس و قابل‌درک در موقعیت‌های مختلف برای شهروندان باشند. یکی از بسترهای آموزش به صورت غیرمستقیم، فضاهای عمومی شهری هستند که مردم هر روز با آنها در ارتباط بوده و به نوعی می‌توان گفت با زندگی روزانه ساکنان شهرها عجین شده است. فضاهایی

1- Leonard Duhl

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

که ضمن پاسخ به نیازهای مختلف شهروندان (نیازهای روانی و عاطفی آنها)، این قابلیت را نیز دارند که به ساکنان شهرها در امور مختلف؛ از جمله فرهنگ شهرنشینی و حقوق شهروندی آگاهی داده و همچنین به‌واسطه عناصر گرافیکی و محیطی سبب رشد فکری و افزایش درک بصری در آنها شوند. در واقع، فضاهای شهری، فضاهای رسانه‌ای هستند که از کارکرد آموزشی باارزشی برخوردارند اما این فضاها در زمینه کاربرد آموزش فراموش شده‌اند و از این‌رو شاهد تضعیف تمدن‌های شهری امروز هستیم. دو اصل در ارتباط با نقش فضاهای عمومی در ارتقای سطح دانش عمومی جامعه مطرح می‌گردد که عبارتند از:

- آموزش به‌واسطه ایجاد زمینه‌های مشارکت مدنی و تعامل اجتماعی شهروندان: در این راستا، فضاهای عمومی، بستری مناسب برای تبادل افکار و اطلاعات و نیز فضاهای مناسبی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هستند؛ بنابراین این فضاها، بیش از آنکه فضایی کالبدی باشند، فضایی برای زندگی جمعی و در خلال آن کسب تجارب، دانش و مهارت‌های اجتماعی هستند (Hajer, 2001). بر این اساس می‌توان گفت این فضاها زمینه‌ساز انسجام و تعادل اجتماعی در جامعه هستند؛ زیرا هنگامی‌که مردم با سایر افراد جامعه، تعامل و ارتباط برقرار می نمایند، رابطه عمیق‌تری با مکان و جامعه خود احساس می‌کنند و این امر سبب شکل‌گیری حس هویت جمعی و نیز احساس تعلق به جمع و مکان می‌گردد. در این زمینه، اسکان بشر سازمان ملل متحد نیز به دنبال بحث شکوفایی شهری، از این گونه فضاها به عنوان فضاهای تعاملی و بستری برای ارتقای دموکراسی در جوامع شهری صحبت می‌کند. علاوه‌بر این، فضاهای عمومی شهری را مکان‌های مهمی به منظور اختلاط اجتماعی، گفت وگو و سرگرمی دانسته که سبب ارتقای تنوع و تعامل اجتماعی در شهر می‌گردند. با در نظر داشتن اهمیت اجتماعی و فرهنگی این فضاها، دست‌اندرکاران امور شهری؛ از طراحان تا مجریان طرح‌ها باید با رویکردی چندبعدی، فضاهای عمومی را طراحی و برای آنها برنامه‌ریزی کنند. فضاهای عمومی موفق، زمینه‌ساز افزایش کیفیت زندگی شهری، به واسطه افزایش سطح مشارکت‌های اجتماعی و دانش اجتماعی شهروندان، سرزندگی، امنیت، رضایت و تعلق‌خاطر هستند.

- آموزش به‌واسطه طراحی عناصر فضایی پاسخ‌گو و معنادار: خیابان‌ها، پیاده‌روها و پارک‌ها، از مهم‌ترین فضاهای عمومی هستند که هر روز جمعیت وسیعی از ساکنان شهرها اعم از پیر، جوان و کودک را پذیرا هستند؛ بنابراین طراحی و مدیریت این دسته از فضاها، شاید بیش از دیگر انواع فضاهای عمومی که به عنوان فضاهای عمومی بسته شناخته می‌شوند؛ مانند سینماها، خانه‌های تئاتر، سالن‌ها و تالارهای موسیقی که جایگاه ارزشمندی در ارتقای دانش و فرهنگ جامعه دارند، باید مورد توجه قرار گیرند. فضاهای عمومی بسته، اگرچه عمومی هستند اما مخاطبان خاص خود را جذب می‌کنند و این در حالی است که فضاهای عمومی باز، برای همه اقشار و گروه‌های جامعه هستند و همگان از آنها استفاده می‌کنند. همچنین فضاهای عمومی باز نقش مهمی در شکل‌دهی به سیمای شهر نیز ایفا می‌نمایند. بر این اساس، طراحی این فضاها، به دلیل آنکه باید پاسخ‌گوی طیف وسیعی از شهروندان با نیازها و ویژگی‌های ذهنی و جسمانی متفاوت باشند، دقت‌نظر و عمل مناسب‌تری را می‌طلبد. برای مثال در طراحی عناصری چون کیوسک‌های خبری که نقش مهمی در انتقال اخبار و اطلاعات روز به شهروندان را دارند باید به فاکتورهایی مانند: تناسب، مقیاس انسانی و سهولت دسترسی و نیز فاکتورهای زیباشناختی برای ارتقای کیفیت بصری فضاهای عمومی توجه گردد. این بدین معنا است که چنین عناصری لازم است که متناسب با محیط اطراف‌شان، نوع مخاطبان‌شان، نیازهای آنها و در نهایت، افزایش کیفیت بصری سیمای شهر، طراحی و نصب گردند. شایان ذکر است که نصب کیوسک‌های

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

خبری مخصوص کودکان و نوجوانان، با در نظر داشتن فاکتورهای مذکور، در فضاهای عمومی می‌تواند نقش مهمی در تشویق کودکان برای کتاب‌خوانی، روزنامه‌خوانی و نیز ارتقای مهارت‌های اجتماعی آنها داشته باشند. این مسئله قابل‌بسط به دیگر عناصر فیزیکی شهر چون: علائم گرافیکی و محیطی و نیز دیگر انواع مبلمان شهری می‌باشد. در کل می‌توان گفت که ساختار و کیفیت فضاهای عمومی شهری به نوبه خود می‌تواند در آموزش‌های شهروندی مؤثر باشد که در پژوهش‌های رفیعیان و سیفایی (۱۳۸۴) و دانش‌پور و چرخیان (۱۳۸۶) نیز به آن اشاره شده است.

سؤال چهارم پژوهش: آیا توسعه فضاهای عمومی باعث باززنده‌سازی هویت‌های محلی شهر می‌شود؟

هویت؛ یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکان‌ها شناخته یا بازشناسی نماید؛ به‌طوری‌که شخصیتی مشخص، بی‌نظیر یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود (لینچ، ۱۳۹۰). بر اساس این تعریف و با نگاهی به فضاهای شهری امروزی می‌بینیم که این محور عملکردی که لینچ از آن به عنوان یکی از محورهای سکونت‌گاه‌های شهری خوب یاد می‌کند، رو به افول است؛ به طوری‌که این روزها، سیمای شهرها، بیش از آنکه دارای وجوه قابل‌افتراق از یکدیگر باشند، شباهت‌های بسیاری دارند. در گذشته نه چندان دور، به راحتی می‌توانستیم شهرهای ایران را از یکدیگر، تشخیص دهیم؛ زیرا آنچه تعیین‌کننده فرم ساختمان‌ها، شکل خیابان‌ها و دیگر فضاهای عمومی مانند: کوچه‌ها، مراکز تجاری و بازرگانی (بازار) بود، اقلیم و باورهای فرهنگی و اجتماعی مردم بودند؛ بنابراین هر شهر، بنا بر ویژگی‌های خاص خود، سیمایی متفاوت داشت. امروزه به سبب عدم‌توجه به فاکتورهای بومی و پیروی از الگوهای استانداردشده در جریان برنامه‌ریزی و توسعه شهری، ویژگی معنا از شهرها گرفته شده و آنها را با بحران هویتی مواجه نموده است. به عبارتی می‌توان گفت چنان‌چه فضاهای شهری را عرصه تجلی فرهنگ و تاریخ ملت‌ها در نظر بگیریم، آنچه امروز در اکثر شهرها درحال وقوع است، نوعی عدول از ارزش‌های غنی فرهنگی و کهن ساکنان سرزمین‌شان است (کریمیان، ۱۳۸۹). شرط خروج از این بحران، بازگشت به ویژگی‌های محلی و ملی و بومی کردن برنامه‌های توسعه، بدون الگوبرداری صرف از برنامه‌های توسعه در دیگر کشورهای جهان است. هر شهر در هر کشور دارای ویژگی‌های توپوگرافیکی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خاص خود می باشد و تحقق کامل آن برنامه‌ها در دیگر شهرهای جهان، امری بعید به نظر می‌رسد؛ بنابراین تلاش در راستای احیای هویت‌های بومی شهرها و نیز توسعه پایدار، امری ضروری می‌باشد. این امر علاوه‌بر بعد کالبدی آن، دارای ابعاد روان‌شناختی و فرهنگی نیز بوده و با کیفیت زندگی ساکنان شهرها، در ارتباط است؛ بدین معنا که هرچه محیط شهرها و فضاهای عمومی شهر با ذهن و تفکر فرهنگی و اجتماعی جامعه نزدیک‌تر باشد، ویژگی خوانایی در آن افزایش می‌یابد و در پی آن، ساکنان شهرها با حس امنیت بیشتر پا به فضاهای شهری می‌گذارند؛ در نتیجه شهر ایمن‌تر، سرزنده‌تر و نهایتاً معنادارتر می‌گردد. طی چنین فرایندی، ساکنان شهرها، حس تعلق بیشتری به سکونت‌گاه خود دارند، در مقابل شهر، خود را مسئول می‌دانند و آماده هرگونه مشارکتی در بهبود شهر خواهند بود. این، امری است که لینچ بر آن به‌منظور تحقق سکونت‌گاه‌های موفق، تأکید داشته است. در این میان باید بر نقش میراث تاریخی و فرهنگی به عنوان سرمایه فرهنگی ملت‌ها اشاره داشت؛ زیرا آثار تاریخی تنها اجسام فیزیکی نیستند؛ بلکه در ورای آنها معانی و تمدنی نهفته است که سبب پیوند نسل‌ها به یکدیگر می‌شوند. با روشن شدن اهمیت احیای هویت‌های محلی می‌توان گفت که فضاهای عمومی، به عنوان فضاهایی که پذیرای کلیه اقشار و گروه‌های جامعه هستند، می‌توانند در طراحی شهری به عنوان فضاهایی برای تقویت فرهنگ بومی و نیز ارزش‌های تاریخی و تمدنی یک ملت یا یک قوم مورد توجه قرار گیرند. یکی

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

از مواردی که باید برای تحقق این امر مدنظر باشد گسترش تعامل و هم‌فکری متخصصان در امور برنامه‌ریزی و طراحی شهری، انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و پژوهشگران تاریخ هنر است تا از این طریق ضمن توجه به جنبه‌های فنی و کالبدی فضاهای عمومی به جنبه‌های معناشناختی که از خلال فرهنگ و تاریخ بیرون می‌آیند، به‌منظور ایجاد فضاهایی معنادار و با هویت اقدام گردد.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

سازمان اسکان بشر وابسته به سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲، بحث شکوفایی شهری را با هدف تحقق سکونت‌گاه‌های پایدار و انسانی و نیز ایجاد شهرهای بهتر و موفق‌تر مطرح و شاخص‌هایی را نیز برای آنها در نظر گرفت که یکی از این شاخص‌ها، کیفیت زندگی است. شاخص کیفیت زندگی، در برگیرنده مؤلفه‌هایی چون: فضاهای عمومی، آموزش، سلامت و امنیت می‌باشد که این مقاله به طور خاص با هدف کمک به تحقق هدف بنیادین سازمان اسکان بشر؛ یعنی ایجاد شهرهای موفق و پایدار به بحث پیرامون فضاهای عمومی و جنبه‌های مختلف آن پرداخته است. یکی از مسائلی که باید در خصوص طراحی و ساماندهی فضاهای عمومی موردتوجه قرار گیرد، حمایت و حفاظت از شهروندان در مقابل انواع محرک‌های محیطی، به منظور افزایش حس امنیت، رضایت، تعلق و تعاون در آنها می‌باشد؛ زیرا با کاهش محرک‌های محیطی، خصوصاً در ارتباط با زنان و کودکان، شهروندان با حس امنیت خاطر بیشتر وارد فضاهای عمومی می‌شوند و از بودن در اجتماع لذت می‌برند و بدین ترتیب حس رضایت و تعلق‌خاطر نیز در آنها افزایش می‌یابد. طی چنین فرایندی، سطح تعاملات اجتماعی، حس هم‌دلی، تعاون و انسجام در ساکنان شهرها بیشتر می‌شود، نگرانی و دیگر مشکلات روحی و روانی شهروندان، کاهش می‌یابد و کیفیت زندگی آنها ارتقا یافته و در نهایت، رشد و توسعه اقتصادی نیز حاصل می‌گردد. آموزش به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در ارتباط با فضاهای عمومی و بهبود کیفیت زندگی ساکنان شهرها و نیز توسعه پایدار مطرح است، در این مقاله مورد بحث قرار گرفت. این گونه مستدل گردید که فضاهای عمومی در ایجاد زمینه‌های مشارکت مدنی و نیز تعامل‌های اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند که به صورت غیرمستقیم سبب افزایش آگاهی و دانش عمومی در جامعه می‌گردند؛ زیرا انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر قادر به یادگیری و کسب مهارت‌های فردی و اجتماعی هستند و می‌توانند سبب افزایش سطح شعور و آگاهی جمعی شوند. نقش طراحی عناصر فضایی در فضاهای عمومی را در انتقال دانش و افزایش سطح آگاهی جامعه نمی‌توان نادیده گرفت؛ بنابراین در کاربرد عناصر و المان‌های فضایی باید به این مهم نیز توجه داشت که این عناصر تا چه حد می‌توانند سبب ارتقای تفکر بصری و نیز دانش عمومی شهروندان شوند. یکی از کاربردهای فضاهای عمومی، آموزش به شهروندان در زمینه‌های مختلف و به شکل غیررسمی است. امروزه آموزش شهروندی، معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن و ارتقا بخشیدن دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز افراد، به توسعه اقتصادی نیز کمک می‌کند (محمدپور زرندی و طباطبایی مزدآبادی، ۱۳۹۶).

از دیگر نتایج پژوهش می‌توان بیان کرد که فضاهای عمومی، بستر مناسبی برای احیا و باززنده‌سازی ویژگی‌هایی هستند که قادرند سیمای شهر را از دیگر شهرها، متمایز بسازند و معنا و هویتی ویژه به آن ببخشند. این امر نه‌تنها سبب معنابخشی به این فضا می‌گردد بلکه سبب حفظ ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی بومی و انتقال آنها به نسل‌های آینده می‌شود. بی‌توجهی به این امر باعث یک شکل شدن شهرها و نیز قطع ارتباط فکری نسل‌ها، به‌واسطه عدم‌کاربرد عناصر فرهنگ مادی و ملموس جامعه در فضاهای شهری می‌گردد.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

در این راستا، چنان‌چه نگاه مدیران شهری در سطوح خرد و کلان نسبت به شهرها به‌ویژه فضاهای عمومی، نگاهی شهروندمدارانه و با هدف ارتقای پویایی، سرزندگی، شکوفایی و کیفیت زندگی ساکنان شهرها باشد، از طریق کالبد شهری می‌توان بسیاری از مشکلات شهرها؛ اعم از اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی زیست‌محیطی را برطرف کرد و مسیر توسعه شهری پایدار را هموارتر نمود. در واقع، توسعه شهری پایدار محقق نخواهد شد مگر با اصلاح نگاه به شهر و پیروی از رویکردهای انسان‌گرایانه که شهر را متعلق به انسان دانسته و آن را بدون انسان و فعالیت‌های آن، بی‌معنا و بی‌هویت می‌دانند و بر این اساس، مشارکت، تعامل، عدالت و ...، مفاهیمی معنادار و قابل‌پیگیری در جامعه خواهند شد که شکوفایی شهری در سایه آن، محقق خواهد شد.

به طور کلی، فضاهای عمومی، در صورتی به تحقق شاخص‌های شکوفایی شهری و دستیابی به توسعه همه‌جانبه و پایدار کمک خواهند کرد که شهر برای افراد جامعه و با مشارکت تمامی اقشار و گروه‌های اجتماعی و درک نیازها و خواسته‌های آنها، ساماندهی و مدیریت گردد. فضاهای عمومی باید نتیجه تعامل و تشریک‌مساعی مدیران شهری و شهروندان باشند تا بتوانند به نحوی مؤثر در حرکت به سوی توسعه پایدار و شهرهایی سرزنده و شکوفا عمل نمایند.

۷- منابع

ابراهیم‌نیا سماکوش، سعید؛ خاکساری، علی؛ لطیفی، غلامرضا؛ دامادی، محمد. (۱۳۹۲). ارزیابی نقش گردشگری شهری در توسعه اقتصادی محیطی شهر بابلسر. *فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، ۱*(۳)، ۳۱-۱۷.

امجدی ملایی، علیرضا؛ فیضی، محمدجواد؛ حداد لاریجانی، آنالی. (۱۳۹۲). نقش و اهمیت ساماندهی و زیباسازی فضاهای عمومی در توسعه گردشگری شهری. *اولین همایش ملی مدیریت گردشگری، طبیعت‌گردی و جغرافیا*، همدان.

انصاری، معصومه. (۱۳۹۳). *ارزیابی نقش و جایگاه کالبدی- کارکردی فضاهای عمومی در ارتقای کیفیت زندگی شهری*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه پیام‌نور.

ایزدی، محمدسعید؛ حقی، محمدرضا. (۱۳۹۴). ارتقای احساس امنیت در فضاهای عمومی با بهره‌گیری از طراحی شهری (نمونه مطالعه: میدان امام شهر همدان). *نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۲۰(۲)، ۱۲-۵.

باقری، محمد؛ عظمتی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). ارتقای سلامت جسمی روانی شهروندان با طراحی محیط و منظر شهر. *نشریه انسان و محیط‌زیست، ۷*(۱۹)، ۹۵-۸۸.

بحرینی، سیدحسین. (۱۳۷۴). پروژه (شهرهای سالم) سازمان بهداشت جهانی و لزوم اجرای جدی آن در جمهوری اسلامی ایران. *مجله محیط‌شناسی، شماره ۱۷*، ۱۵-۴.

پاپلی یزدی، محمد حسین؛ رجبی سناجردی، حسین. (۱۳۹۲). *نظریه‌های شهر و پیرامون*. تهران: انتشارات سمت.

پاکزاد، جهانشاه؛ فرید طهرانی، سایه. (۱۳۹۰). *ترس در فضای شهری*. تهران: انتشارات آرمان‌شهر.

تولایی، نوین. (۱۳۸۲). فضای شهری و روابط اجتماعی و فرهنگی. *فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی*، شماره ۵، ۱۴۰-۱۰۹.

تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۹۶). *شهرسازی شهروندگرا: ارتقای عرصه‌های همگانی و محیط‌های شهری*. ترجمه محمد احمدی‌نژاد. چاپ چهارم، اصفهان: انتشارات خاک.

حاتمی‌نژاد، حسین؛ شریفی، امیر. (۱۳۹۴). بررسی نقش گسترش گردشگری شهری بر توسعه پایدار شهری. *نشریه گردشگری شهری، ۲*(۱)، ۷۴-۶۱.

دانش‌پور، سیدعبدالهادی؛ چرخیان، مریم. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. *نشریه باغ نظر*، ۴(۷)، ۲۸-۱۹.

رفیعیان، مجتبی؛ تقوایی، علی‌اکبر؛ خادمی، مسعود؛ علی پور، روجا. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری. *نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۴*، ۴۳-۳۵.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

رفیعیان، مجتبی؛ خدایی، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایت‌مندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. *نشریه راهبرد، ۱۸* (۵۳)، ۲۴۸-۲۲۷.

رفیعیان، مجتبی؛ سیفایی، مهسا. (۱۳۸۴). فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی. *نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳*، ۴۲-۳۵.

رهنمایی، محمدتقی؛ اشرفی، یوسف. (۱۳۸۸). فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری. *فصلنامه انجمن جغرافیای ایران*، شماره‌های ۱۵- ۱۴، ۴۶-۲۳.

طبیبیان، منوچهر. (۱۳۷۶). ارزیابی پروژه شهر سالم در ایران (کوی سیزده آبان). *محیط‌شناسی، ۲۰* (۰)، ۷۴-۶۱.

عامری، حمیدرضا؛ زند، صابر. (۱۳۹۰). *درآمدی بر شهرشناسی*. تهران: دانشگاه پیام‌نور.

فکوهی، ناصر؛ اوحدی، یاسمن. (۱۳۹۱). هویت و فضای عمومی در شهر. *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، ۶*(۱)، ۷۸-۵۸.

کریمیان، حسن. (۱۳۸۹). نمادهای فرهنگی در مناظر شهری: بیان معنا، حس هویت و آرامش روحی. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۲* (۷۴)، ۱۳۲-۱۱۹.

لینچ، کوین. (۱۳۹۰). *تئوری شکل شهر*. ترجمه سید حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محتشمی، نگار؛ مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۵). عوامل رشد و موانع بازدارنده شکوفایی شهری. *دومین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در عمران معماری و مدیریت شهری*، دانشگاه جامع علمی و کاربردی، تهران.

محمدپور زرندی، حسین؛ طباطبایی مزدآبادی، سیدمحسن. (۱۳۹۱). تأثیر جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و مشارکت‌های مردمی بر توسعه پایدار شهر. *فصلنامه اقتصاد شهر، ۴* (۱۵)، ۲۴-۱۲.

محمدپور زرندی، حسین؛ طباطبایی مزدآبادی، سیدمحسن. (۱۳۹۶). *مدیریت آموزش سازمانی (با رویکرد بر توسعه سرمایه شهری)*. چاپ سوم، تهران: انتشارات گسترش فرهنگ کتاب.

مرصوصی، نفیسه؛ عظیمی، سارینا. (۱۳۹۶). نقش عوامل محیطی و کالبدی در ارتقای امنیت فضاهای شهری. *نشریه جغرافیا، ۱۵* (۵۲)، ۱۵۴-۱۳۷.

مطیعی لنگرودی، سید حسن؛ رضائیه آزادی، مریم. (۱۳۹۲). ارزیابی اثرات گردشگری از دیدگاه جامعه میزبان در تفرجگاه بند ارومیه. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۲* (۲)، ۹۱-۷۵.

نوری، هدایت‌الله؛ خراسانی، زینب. (۱۳۹۱). تحلیلی بر اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه گردشگری در شهرستان ساری. *فصلنامه برنامه‌ریزی فضای جغرافیا، ۱* (۴)، ۱۸-۱.

Asadi, R. (2011). Strategies for Development of Iran Urban Tourism. *Australian Journal of Basic and Applied Sciences*, *5*(9), 1933-1943.

Atkinson, R. (2003). Domestication by cappuccino or a revenge on urban space? Control and empowerment in the management of public spaces. *Urban studies*, *40*(9), 1829-1843.

Carmona, M., De Magalhaes, C., & Hammond, L. (2008). *Public space: the management dimension*. Routledge.

Carr, S., Francis, M., Rivlin, L. G., & Stone, A. M. (1992). *Public space*. Cambridge University Press.

Duhl, L. J., & Hancock, T. (1988). *Promoting health in the urban context*. WHO Healthy Cities Project Office.

Ejikeme, P. O. (2014). Education for Sustainable Development. *IOSR Journal of Research & Method in Education.(IOSR-JRME)*, *4*(3), 12-15.

Habitat, U. N. (2013). Streets as public spaces and drivers of urban prosperity. *Nairobi: UN Habitat*.

Hajer, M. A. (2001). *In Search of New Public Domain-Analysis and Strategy*.

Joss, S. (2015). *Sustainable cities: Governing for urban innovation*. Macmillan International Higher Education.

Kates, R. W., Parris, T. M., & Leiserowitz, A. A. (2005). What is sustainable development? Goals, indicators, values,

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]

and practice. *Environment(Washington DC)*, *47*(3), 8-21.

Maclean, P. (2008). Education for Peace Building and Sustainable Development: Delusion, Illusion or Reality?. *Available from:< fromhttp://www. daneprairie. com*.

Nasution, A. D., & Zahrah, W. (2017). Public Open Space's Contribution to Quality of Life: Does privatisation matters?. *Asian Journal of Environment-Behaviour Studies, 2*(5), 71-83.

United Nations Human Settlements Programme. (2013). *State of the World's Cities 2012-2013: Prosperity of Cities*. Routledge for United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat).

[Downloaded from iueam.ir on 2026-11-14]

[DOR: 20.1001.1.23452870.1397.6.23.8.3]